

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۸

اصل شفافیت و عدم احتجاب

ابراهیم دستلان*

چکیده

شفافیت و عدم احتجاب، به معنای آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات جهت بررسی و نظارت است، از موضوعات محوری در مباحث کلان حکومت داری و اصلاح اداره‌ی عمومی است و به عنوان یک رکن بنیادین در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان و یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می‌شود. شفافیت و آگاهی عمومی مردم از آنچه در حکومت می‌گذرد، موضوعی نیست که به جوامع مدرن امروزی اختصاص باید بلکه در رویکرد دینی نیز به مفهوم و محتوای شفافیت اشاره شد، همچنان که سنت پیشوایان اسلام مؤید اصل شفافیت و عدم احتجاب آنها در تعامل با جامعه است، از منظر اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مردم‌سالاری دینی بر آرای خام و ناآگاهانه‌ی مردم استوار نیست، بلکه جوهر آن را آگاهی مردم شکل می‌دهد و وظیفه‌ی حاکم اسلامی به عنوان امانت دار مردم این است که مسائل جامعه را به گونه‌ای شفاف و صادقانه با مردم در میان بگذارد. باید دید حقیقت این مقوله چیست و چه آثاری به بار دارد و در چه محدوده‌ای تعریف شده و آیا همه امورات حاکمیتی باید در معرض افکار عمومی قرار گیرد؟ یا اینکه به عنوان یک اصل، دارای جایگاه مشخصی و محدودی در دایره حکومت می‌باشد.

وازگان کلیدی
اصل، سیره، عدم احتجاب، شفافیت، حکومت

* . سطح ۴ رشته تاریخ و سیره پیامبر اعظم.⁶

مقدمه

یکی از سیره‌های مدیریتی که در رفتار و گفتار ائمه: مشهود است اصل عدم احتجاب است.

در جهان‌بینی اسلام، حکومت از آن خداست و در مردم تجلی یافته، کسی که به حکومت می‌رسد این قدرت را به صورت امانی از مردم به دست می‌گیرد.

بر اساس آیه سوم سوره مبارکه الرحمن: خداوند قدرت بیان را به انسان داده و به آن قسم خورده تا انسان بتواند آزادانه و با استفاده از این قدرت به بیان حقایق بپردازد. هم چنین خداوند به قلم که وسیله آگاهی‌بخشی است قسم خورده است.

معمولًاً ارتباط مردم عادی با کارگزاران آسان نیست و در هر حکومتی به تناسب زمان، نیروهای نظامی و انتظامی به اسم حفظ امنیت و یا کثرت شواغل کارگزار و غیره مانع ارتباط مستقیم مردم با حاکم می‌شوند.

دوری حاکم از محیط اجتماع و عدم گفتگوی مستقیم او با مردم، سبب مجھول ماندن بسیاری از مشکلات بر وی شده و دست مزوّران و چاپلوسان و... را برای قلب امور یا وارونه جلوه دادن اوضاع باز نهاده و از طرف دیگر دید مردم نسبت به حکومت را منفی کرده و انگیزه‌ی حمایت مردمی از حکومت در مشکلات را منتفی می‌نماید. روشن است که این وضعیت پایه‌های حکومت را شدیداً متزلزل کرده و مملکت را آسیب پذیر می‌کند.

با توجه به این نکته حیاتی است که ولی خدا در جامعه اسلامی، برای ثبت اصل شفافیت و تسهیل در جهت ارتباط حاکمان به مردم، تدبیر لازم را، اجرا و تدوین نماید. بر این اساس سیره پیامبر اسلام(ص) و ائمه:، نیز مبنی بر شفافیت بوده است.



مفاهیم

اصل

بررسی لغوی

«اصل» در لغت به معنای ریشه و بن است در برابر فرع که شاخه و بر است.^۱

بررسی اصطلاحی

«اصل» همانطور که از معنای لغوی مشخص است به اساس و بنیاد هر چیزی تلقی میشود و در هر موضوعی اصطلاح وبژه‌ی خود را پیدا میکند مثلاً در اصطلاح حدیثی به معنی هر یک از نسخه‌ها و نوشته‌های آغازین که مستقیماً از کتابت شنیده‌ها پدید آمده بودند، میگویند و در اصطلاح اصولی، «اصل» به معنای مرجع هنگام شک است و به قاعده و قانونی اطلاق می‌شود که مکلف هنگام شک و جهل به واقع و در اختیار نداشتن دلیل علمی (amarah) به آن رجوع می‌کند، یکی از آن اصطلاحات، اصل عدم حاجب و عدم حاجبیت موجود (اصل عدم مانع و عدم مانعیت مانع) یکی از اصول است؛ چنانچه در وجود مانعی از رسیدن آب به پوست در اعضای وضو یا غسل و یا در مانع بودن چیز موجود در پوست مانند رنگ حنا شک کنیم، اصل، عدم وجود مانع در اول و مانع نبودن چیز موجود در دوم است.^۲

عدم

بررسی لغوی

«عدم» در لغت به معنای نیستی و نابودی^۳ و نقطه مقابل وجود است.

بررسی اصطلاحی

۱. فرهنگ معین.

۲. فرائد الاصول ج ۳ ص ۲۴۵.

۳. فرهنگ معین،

«عدم» مساوی است با نیستی مطلق و نداری محض و هیچ بهره‌ای از وجود ندارد و به همین جهت است که تمایز میان مصادیق آن راه ندارد و علیت هم به آن منسوب نمی‌گردد.^۱ وحدت مفهوم عدم، بی نیاز از برهان بوده و در زمرة بدیهیات و اولیات است و دلایلی که برای آن مطرح شده است، جنبه تنبیهی دارد.^۲

احتجاب

بررسی لغوی

«احتجاب» در لغت به معنای در پرده شدن، در حجاب شدن و در پرده رفتن است.^۳

۶۸

بررسی اصطلاحی

«احتجاب» در مفهوم این بحث به معنای حاجب داشتن، دور بودن از مردم، فاصله گرفتن از مردم، خود را از مردم جدا کردن، ارتباط مستقیم با مردم نداشتن و در نتیجه بی اطلاع بودن یا کم اطلاع بودن از مردم و مسائل و مشکلات ایشان است.^۴

شفافیت

بررسی لغوی

«شفافیت» در لغت به معنای شفاف بودن، تابانی و درخشنانی، شفافی است.^۵

بررسی اصطلاحی

«شفافیت» در حوزه‌های مختلف کاربرد اصطلاحی خود را پیدا می‌کند و هر موضوعی دارای ابعاد شفافیتی خاص خود است که بایستی به دقت طراحی و تعریف شود.

۱. *نهایه الحکمه*، طباطبایی، محمد حسین، ص ۲۸.

۲. *رحیق مختوم*، جوادی آملی، عبدالله، ج ۵، ص ۷.

۳. *فرهنگ معین*، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴. *سیره نبوی «منطق عملی»*، ج ۳، ص ۴۷۴.

۵. *فرهنگ معین*.



در نگاه کلی «شفافیت» به معنای ارائه حق اطلاعاتی است که باید، در زمان، محل، قالب و کیفیت لازم و به مخاطب واجد شرایط، ارائه شوند. لذا وقتی همه این شروط باشند، شفافیت حاصل شده است. کمتر یا بیشتر از آن می‌شود عدم شفافیت. لذا شفافیت الزاماً به معنای ارائه همه اطلاعات به همه افراد نیست بلکه گاهی اقتضا در صیانت از اطلاعات است و افشای اطلاعات بصورت یکجا و بی نظم و بدون برنامه زمانی مناسب، شفافیت به حساب نمی‌آید.

لذا شفافیت مانند نوری است که مسائل را روشن می‌کند، ابهامات را از بین می‌برد و پس از آن تازه می‌توان نسبت به مسائل فکر و برای آنها تدبیر کرد.

شفافیت به دو نوع کلی تقسیم می‌شود:

نوع اول. شفافیت حکومتی (سیاسی)؛ یعنی وقتی اطلاعات از سمت حکومت در اختیار مردم قرار می‌گیرد. و اهداف اصلی آن مسئولیت‌پذیر کردن، پاسخگو کردن، و بهینه‌کردن حکومت (توسط مردم) و افزایش مشارکت مردم و نخبگان در کلیه فرایندهای حکومتی (عارضه‌یابی، تصمیم‌سازی، نظارت) است.

نوع دوم. شفافیت اطلاعاتی (اقتصادی)؛ یعنی وقتی اطلاعات از سمت مردم در اختیار حکومت قرار می‌گیرد و اهداف اصلی آن در اختیار حکومت بودن اطلاعات، به منظور تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و حل مسائل است.

شفافیت در صدر اسلام

رسول خدا(ص) پرهیز داشت که میان وی و مردم حاجبی وجود داشته باشد و چیزی مانع ارتباط مستقیم آن حضرت و مردم باشد به طوری که سخن ایشان را نشنود و دردشان را نکشد و مشکلاتشان را برای وی مطرح نکنند. رسول خدا(ص) در عین پیوند و نزدیکی با مردم، اعمال مدیریت می‌کرد.

در صدر اسلام با تأسی به مشی رسول الله(ص) زمامداران و کارگزاران نظام به هیچ‌وجه از مردم فاصله نمی‌گرفتند و ارتباط مردم با ایشان سهل و به دور از تشریفات

^۱ بود.

۱. ر. ک: محمد جلال شرف، *نشأة الفكر السياسي و تطوره في الإسلام*، ص ۸۸.

در این دوره راندن ارباب حاجت از درگاه زمامدار و خلیفه از نظر شرعی ممنوع بود و هیچ کس این کار را انجام نمی‌داد، ولی همین که وضع خلافت دگرگون شد و خلافت به سلطنت مبدل گردید، نخستین چیزی که رسم شد وضع درگاه زمامداران و بستن آن به روی عامه مردم بود.^۱

شفافیت از دید سیره نگاران

سیره رسول الله(ص)

در موضوع اصل شفافیت و عدم احتجاب، سیره نگاران مطالبی را از سیره رسول الله(ص) انکاس داده‌اند:

۷۰

رسول خدا(ص) پرهیز داشت که میان وی و مردم مانع و حایلی وجود داشته باشد و چیزی مانع ارتباط مستقیم آن حضرت و مردم باشد؛ به طوری که سخن ایشان را نشنود و دردشان را نکشد و مشکلاتشان را برای وی مطرح نکنند. پیامبر(ص) از سیره ملوک و سلاطین و نوع نشست و برخاست و تشریفات آن‌ها به شدت بیزار بود و هیچ خوش نداشت به پادشاهان شبیه شود.^۲ پیامبر(ص) فاصله‌ها را بر می‌داشت و ابهتهای دروغین را می‌شکست. وی ارتباط تنگاتنگی با مردم داشت به گونه‌ای که بخشی از اوقات منزل خویش را به مردم اختصاص می‌داد. حضرت با همه افراد جامعه نشست و برخاست می‌کرد و با فقیران همدم می‌شد و دعوت همگان را اجابت می‌کرد. به عیادت بیماران می‌رفت و در تشییع مردگان شرکت می‌جست و بدون محافظه میان دشمنان می‌رفت.^۳ پیامبر(ص) هیچ گاه خود را از مردم جدا نمی‌دید و در غم و شادی، به راحت و سختی در کنار آن‌ها بود. چنان‌که پس از ورود به مدینه و هنگام ساختن مسجد پابه

۱. أبو زيد عبد الرحمن بن محمد المعروف بابن خلدون، *ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر* (تاریخ ابن خلدون)، ج ۱ (المقدمة)، ص ۲۹۶.

۲. الكافي، ج ۶، ص ۲۷۱؛ *وسائل الشيعة*، ج ۱۶، ص ۵۰۵؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۲.

۳. سنن ابن ماجة، ج ۲، ص ۱۱۰۱؛ *عيون الاخبار*، ج ۱، ص ۲۶۵؛ ۲۲۹.



پای یارانش سنگ می‌آورد و در ساختن مسجد همانند دیگران کار می‌کرد.^۱ نمونه دیگر آن در غزوه احزاب روی داد. در این غزوه مأموران اطلاعاتی پیامبر(ص) گزارش آمادگی و بسیج نیروهای دشمن را به مدینه دادند. آن حضرت شورای نظامی تشکیل داد و پس از مشورت و تصویب پیشنهاد سلمان فارسی مبنی بر کندن خندق، پیامبر به همراه یاران خود بیل و کلنگ می‌زد و گاه توبرهای خاک را بر دوش می‌کشید.^۲ در تاریخ اسلام آمده است خراجی به دست پیامبر اکرم(ص) رسیده بود و پیامبر(ص) به دلیل کم بودن این مال آن را فقط بین اصحاب صفة تقسیم کرد؛ سپس مردم را در مسجد جمع کرد و به آنها توضیح داد که این مال چطور به دست آمده بود و چرا بین عده کمی از فقیرترین اصحاب تقسیم شده است.^۳

۷۱

بدین ترتیب رسول خدا(ص) در همه چیز با یاران خود همراه بود؛ شانه به شانه ایشان کار می‌کرد و حتی در رجزخوانی‌ها و سروდ سردادن‌هایشان شرکت می‌نمود. رسول خدا(ص) در مدیریت جامعه خود، نه تنها، ارتباط مستقیمش را با مردم حفظ می‌کرد، بلکه پیوسته از آن‌چه در میان ایشان می‌گذشت کسب اطلاع می‌کرد و از مسائل و مشکلات مردم آگاهی کامل داشت و میان او و مردمش هیچ‌گونه حجابی نبود. حضرت حسین(ع) از پدر گرامی‌اش علی(ع) درباره سیره رسول خدا پرسش کرد و آن حضرت، ابعاد مختلف سیره پیامبر(ص) را توضیح داد و در این باره فرمود:

«رسول خدا(ص) پیوسته از آن‌چه در میان مردم می‌گذشت جویا می‌شد».^۴

مشی رسول خدا(ص) بر این بود که پیوسته از تمام اموری که میان مردمش می‌گذشت، آگاه باشد و احتجاجی میان او و مردم نباشد و این لازمه هر مدیریت سالم و توانمند است.

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۱۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۸۶؛ السیرة الحلبية، ج ۲، ص ۷۱ [«عن التّراب» آمده است].

۲. المغازى، ج ۲، ص ۴۴۶؛ السیرة الحلبية، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳. ر.ک: کتاب سیره و کلام پیامبر اعظم تالیف عباس چراغ چشم.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۴؛ معانى الاخبار، ص ۸۲؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۱۸؛ «كان رسول الله ... يسأل الناس عمنا في الناس».

سیره امیرالمؤمنین(ع)

تربیت یافتگان سیره پیامبر(ص) نیز چنین بودند، علی(ع) در اداره امور این گونه بود. درباره اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات نیز در کلام حضرت امیرالمؤمنین(ع)آمده است: حق شما بر من این است که شما را در جریان همه امور قرار دهم مگر اسرار جنگی و امنیتی.^۱ ایشان در شیوه مدیریت خود چنان برخورد می‌کرد که علی رغم مهابتی که داشت، مردمش با وی احساس نزدیکی کنند؛ به گونه‌ای رفتار می‌کرد که عظمت وجودی اش حاجبی میان او و مردم نشود.^۲ امام(ع) از مردم خود می‌خواهد که با او چاپلوسانه و سازشکارانه آمیزش نکنند و سخن حق خود را بی‌پروا بیان کنند و آن‌چه را درست و به عدل می‌دانند بگویند و هیچ حاجبی میان خود و آن حضرت احساس نکنند.^۳ در منطق امام علی(ع) زندگی بدون صداقت و صراحت، نکبت و خواری است، گفت: اگر در هر حکومت و مدیریتی پنهان‌کاری و دروغ پیش آید، پیامدش هر گونه فسادی خواهد بود. امیرالمؤمنین(ع) مسند قضاؤت را در مسجد برپا می‌کرد تا مردم به طور شفاف از وقایع آگاه باشند. ایشان همچنین قاضی شریح را که در خانه به قضاؤت می‌پرداخت سخت نکوهش کرد. توصیه دائمی حضرت علی(ع) این بود که از من سوال پرسید.

۷۲

این شیوه مدیریتی بود که پیامبر اکرم(ص) به ارمغان آورد و اوصیایش بر آن پایداری کردند.

معاویه ناقض این سنت

اصل عدم احتجاج به طور رسمی از زمان حکومت معاویه آغاز شد. یعقوبی در این باره می‌نویسد: معاویه نخستین کس در اسلام بود که نگهبانان و پاسبانان و دریانان گماشت و پرده‌ها آویخت و منشیان نصرانی استخدام کرد و جلو خود

۱. الأُمَّالِيُّ، شِيخُ الطُّوسِيُّ، ص ۲۱۷

۲. این خبر با مختصر اختلاف در الفاظ در بسیاری از منابع آمده است، از جمله: **مقتل الامام أمير المؤمنين على بن أبي طالب (ع)**، ص ۱۰۰؛ **مروج الذهب**، ج ۲، ص ۴۲۱؛ **الإمام الصدوق**، ص ۴۹۹؛ **الاستيعاب**، ج ۳، ص ۴۴؛ **شرح ابن أبي الحميد**، ج ۱۸، ص ۲۲۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.



حربه راه می‌برد ... سعید بن مسیب می‌گفت: خدا معاویه را چنین و چنان کند چه او نخستین کس است که این امر را به صورت پادشاهی بازگرداند. و معاویه می‌گفت: منم نخستین پادشاه.^۱ هنگامی که عمر بن خطاب در دوران خلافتش وارد شام شد، بر الاغی سوار بود و عبد الرحمن بن عوف نیز سوار بر الاغ وی را همراهی می‌کرد. معاویه با گروهی سواره و پیاده با حالتی اشرافی ایشان را ملاقات کرد. عمر چون این وضع را دید به شدت ناراحت شد و بر معاویه خشم گرفت. (کان عمر ینظر إلیه فیقول: هذا کسری العرب). ... پس عمر رو به معاویه کرد و گفت: آیا تو صاحب این موکب تشریفاتی و کسی هستی که به من گزارش رسیده است که ارباب حاجت در درگاهت منتظر می‌مانند؟ ...^۲ پیش از حاکم شدن امویان، زمامداران بسیار ساده رفت و آمد می‌کردند و در میان مردم بودند و به راحتی سخن ایشان را می‌شنیدند و ارتباط مستقیمشان را با مردم حفظ می‌کردند. این طقطقی درباره ایشان می‌نویسد: مانند سایر مردم در کوچه و بازار آمد و شد می‌کردند، و هرگاه با پستترین افراد رعیت به گفتگو می‌پرداختند سخنی درشت‌تر از سخن خویش از وی می‌شنیدند، و این‌گونه روش را از دینی می‌دانستند که پیغمبر(ص) بدان مبعوث شده بود.

توجیه زمامداران پس از این دوران، در فاصله گرفتن از مردم و کاستن و قطع ارتباط مستقیم با ایشان بر اساس دو امر بود، بیمناک بودن از جان خویش، و این که آن روش ایشان را از توجه به مهمات امور باز می‌داشت.^۳ حال آن که فاصله نگرفتن از مردم و حفظ ارتباط مستقیم زمامداران و مدیران با مردم خود از مهمات امور بوده، لازم است با تمهیدات مناسب حفظ شود، هر چند که صورت آن تغییر یابد. پیشوایان حق و عدل بر این امر اهتمام بسیار داشتند.

۱. احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آینی، صص ۱۶۵-۱۶۶؛ و نیز ر. ک:

عيون الأخبار، ج ۱، صص ۸۲-۸۳؛ العقد الفريد، ج ۱، صص ۷۴-۷۵؛ *تاریخ الخلفاء*، ص ۲۲۲.

۲. العقد الفريد، ج ۳، صص ۳۵۴-۳۵۵؛ و نیز ر. ک: شرح ابن ابی الحدید، ج ۸، صص ۲۹۹-۳۰۰.

۳. *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱، ص ۲۹۶.

ضرورت پرهیز از احتجاب در کلام نور

در قرآن

در قرآن نیز به نوعی به مسئله شفافیت تاکید شده است زیرا نپوشاندن حق همان اشاره به شفافیت دارد. در واقع بیان حقایق، به جز در موارد استثنای، در سطح حکمرانی اجرای اصل شفافیت است آنجا که می‌فرماید:

«وَلَا تُلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». ^۱

در کلام اهل بیت:

۷۴

احتجاب زمامدار و مدیر نه تنها ارتباط قلبی با او را سست می‌کند و سبب دوری وی از مردم و مسائل و مشکلات ایشان می‌شود بلکه آگاهی لازم برای اداره امور را از وی سلب می‌کند. احتجاب، ارتباط‌های انسانی را می‌گسلد و مدیریت مبنی بر روابط انسانی را به مدیریتی مبنی بر روابط غیر انسانی تبدیل می‌سازد.^۲

امیرالمؤمنین(ع) در این باره به مالک اشتر فرمود:

«و بخشی از وقت خود را خاص کسانی قرار ده که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسیبانان، از آنان بازدار، تا هر کس با صراحة و بدون ترس و درماندگی در گفتار، سخنان خود را با تو بگوید که من بارها از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحة نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند.» و درشتی کردن و درست سخن نگفتن آنان را بر خود هموار کن و تنگخوبی بر آنان و خود بزرگ بینی را از خود بران او هیچ‌گونه محدودیت و گذنفرازی بر آنان روا مدار] تا خداوند بدین کار درهای رحمت خود را بر روی تو بگشاید و تو را پاداش فرمانبری عطا فرماید؛ و آن‌چه می‌بخشی چنان بخش که بر تو گوارا افتاد [بی‌منت و خشونت]

۱. بقره، ۴۲.

۲. ر. ک: عيون الاخبار، ج ۱، ص ۸۴؛ التحفة الملوكيه، صص ۱۲۵-۱۲۶.



و آن‌چه باز می‌داری با مهربانی و پوزشخواهی همراه کن.»^۱

روشن است که زمامدار و مدیر، بشر است و زندگی خصوصی دارد و نیازمند استراحت است و نباید از او انتظار داشت که تمام اوقات خود را در اختیار مردم قرار دهد، پس قهرا ساعتهای را جدا و دور از مردم است، اما نباید این جدایی و دوری طولانی شود، بلکه امام تأکید دارد که زمامدار و مدیر ارتباط فراوان با مردم داشته باشد و افراد مختلف بتوانند با وی تماس بگیرند و مسائلشان را بی‌پرده بیان کنند.^۲

«احتجاب» از یک سو ستمی به مردم است و از سوی دیگر ستمی به زمامدار و مدیر. احتجاب نوعی سختگیری به مردم است، زیرا پیوند آنان را با وی قطع کرده یا سست می‌سازد؛ و نیز عاملی برای محروم ساختن زمامدار و مدیر از آگاهی‌های لازم است. وقتی مسئولان امور نتوانند با مردم ارتباط مستقیم داشته باشند، راههای کسب اطلاعات آنان محدود شده، بسیاری از امور بر ایشان پنهان مانده یا دگرگون جلوه داده می‌شود. بنابراین برای اداره درست امور لازم است از احتجاب طولانی پرهیز کرد و از راههای مناسب ارتباط مستقیم با مردم را حفظ نمود.

امیرالمؤمنین (ع) در این باره به مالک اشتر فرمود:

«و بخشی از وقت خود را خاص کسانی قرار ده که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان، از آنان بازدار، تا هر کس با صراحة و بدون ترس و درماندگی در گفتار، سخنان خود را با تو بگوید که من بارها از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحة نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند.» و درشتی کردن و درست سخن نگفتن آنان را بر خود هموار کن و تنگخوبی بر آنان و خود بزرگ بینی را از خود بران او هیچ‌گونه محدودیت و گردنفرازی بر آنان روا مدارآ تا خداوند بدین کار درهای رحمت خود را بر روی تو بگشاید و تو را پاداش فرمانبری عطا فرماید؛ و آن‌چه می‌بخشی چنان بخش که بر تو گوارا افتاد [ابی‌منت و خشونت]

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. ر. ک: درس‌هایی از نهج البلاغه، نامه امام علی(ع) به مالک اشتر، صص ۲۹۵-۲۹۶.

و آن‌چه باز می‌داری با مهربانی و پوزشخواهی همراه کن.»^۱

آن حضرت همچنین در نامه‌ای به قشم بن عباس^۲ فرماندار مکه این‌گونه نوشت: «اما بعد، مراسم حج را برای مردم برقا دار و ایام الله را به یاد آنان آر، و بامداد و شامگاه برای رسیدگی به امور آنان بنشین. به کسانی که پرسشی دارند، پاسخ ده و ندان را بیاموز و با دانا به گفتگو پرداز. و میان تو و مردم نباید واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده‌ای جز چهره‌ات باشد. افرادی را که با تو کار دارند از ملاقات خود محروم مساز! زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شوند و در پایان حاجتشان برآورده گردد، تو را نستایند.»^۳

امام(ع) به قشم بن عباس می‌آموزد که چگونه از «احتجاج» بپرهیزد؛ ارتباط خود را با مردم حفظ کند و ارباب حاجت را از درگاه خود نراند و از دیدار خود محروم نسازد و یادآور می‌شود که اگر آنان را در ابتدا از درگاه خود براند، حل مشکلشان پس از آن، جبران آن‌چه را از دست رفته است نخواهد کرد، زیرا هیچ چیز جبران کننده قطع پیوند یا گستاخی ارتباط مسئولان و مردم نیست.

در واقع آنان که معاد را باور دارند و از هوای نفس خویش پیروی نمی‌کنند و تکیه گاهشان حق است و پاییند عدالتند، تن به احتجاج نمی‌دهند و از مردم روی پنهان نمی‌کنند و در درگاه خویش بر ایشان نمی‌بنندند.

امیرمؤمنان(ع) در نامه‌ای به قیس بن سعد بن عباده^۴ هنگامی که فرماندار آذربایجان بود، نوشت:

«پس، از مردم روی پنهان مدار و حاجب از پیش خود بردار و در خانه‌ات را بر روی همگان بگشا، و تکیه گاهت حق و حقیقت باشد، زیرا آن کس که با حق همراه باشد از عدالت منحرف نمی‌شود و نزدیکان و خواص را بر سایرین مقدم نمی‌دارد. و از هوای نفس و خواهش‌های نفسانی پیروی ممکن که پیروی هوای نفس تو را گمراه می‌کند و از راه خدا باز می‌دارد. همانا آنان که از راه خدا

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. قشم بن عباس بن عبدالمطلب پسر عمومی پیامبر⁶ است.

۳. نهج البلاغه، نامه ۶۷.

۴. قیس بن سعد بن عباده انصاری از صحابه بزرگ پیامبر⁶ و از شیعیان خالص و یاران باوفا و خیرخواهان و طرف مشورت علی(ع) و از یاران با وفاتی امام مجتبی(ع) بود.



اصل شفافیت و عدم احتجاب

منحرف می‌شوند برای ایشان عذاب و شکنجه‌ای سخت است، زیرا روز حساب را فراموش کرده و از یاد برده‌اند.»^۱

قطع ارتباط با مردم موجب عذاب و آتش دنیا و آخرت است. و هیچ آتشی چون جدایی مسئولان و مردم، نظام‌سوز نیست. آنان که در درگاه خود بر روی مردم می‌بنند و ارباب حاجت را می‌رانند و در احتجاب فرو می‌روند، درهای آسمان و رحمت الهی را بر خود بسته، درهای خشم الهی را می‌گشایند.

پیامد احتجاب در کلام نور

۷۷

زمامداران و مدیرانی که در اداره امور، اصل را بر جدایی از مردم و ایجاد فاصله با ایشان قرار می‌دهند، در واقع خود را از روابط انسانی و رحمت الهی محروم می‌سازند. از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: هر زمامداری که در درگاه خوبیش را بر روی ارباب نیاز و حاجت بینند، خداوند، رحمت خود را بر او در هنگام نیاز و حاجتش بینند.^۲

و نیز از آن حضرت روایت کرده‌اند که فرمود: هیچ پیشوایی در درگاه خود را بر روی ارباب حاجت و نیاز و بینوایی بینند مگر آن که خداوند درهای آسمان را بر نیاز و حاجت و بینوایی او بینند.^۳

شیخ ابو جعفر برقی در باب عقاب من حجب المؤمن به اسناد خود از امام صادق(ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: هر کسی که میان او و فردی مؤمن حجابی باشد، خداوند میان او و بهشت هفتاد هزار دیوار بلند بکشد که میان هر دو دیوار هزار سال مسافت باشد.^۴

۱. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. اخبار القضاة، ج ۱، ص ۷۵.

۳. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۶۱۹؛ مأثر الانفأة، ج ۱، ص ۶۱ [«دون ذوى الحاجات و المسكنة» آمده است]؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۴.

۴. المحسن، ج ۱، ص ۱۰۱؛ کلینی و صدووق [در «باب عقاب من حجب المؤمن»] با مختصر اختلاف در لفظ همین خبر را آورده‌اند: *الکافی*، ج ۲، ص ۳۶۴؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۸۷.

بریدن از مردم، ستمی است بر خود و دیگران؛ و ستم، زایل کننده قدرت و نعمت است.

ستم، پا را می‌لغزاند و نعمتها را زایل می‌کند و امتهای را هلاک می‌سازد.^۱
مدیریت پیشوایان حق از هرگونه ستمی مبرأ بود و آنان هرگز خود را از مردم دور نگردند و از ایشان فاصله نگرفتند و در پرده فرو نرفتند.^۲

آثار شفافیت در حکومت

بهترین ابزار مبارزه با فساد: شفافیت سریع‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین، مبنایی‌ترین و قابل اعتمادترین سازوکار برای مبارزه با فساد (هم در پیشگیری و هم کشف جرم) است.

۷۸

عدم شفافیت ریشه‌ی اصلی فساد: ریشه‌ی اصلی بسیاری از مفاسد و مشکلاتی که امروزه در کشور وجود دارد، فقدان شفافیت است. شفافیت امکان بروز جرم را کاهش و احتمال کشف آنرا افزایش می‌دهد و بدین ترتیب سبب کاهش ارتکاب جرم می‌شود.

شفافیت به مثابه نور: بدون فهم شفافیت، قدم از قدم نمی‌توان برداشت، همانند خانه‌ی تاریک و البته بی‌نظم و آشفته‌ای که بدون نور هر قدمی (حتی با نیت اصلاح) می‌تواند بسیار خطرناک باشد. نقش شفافیت در مبارزه با فساد، همانند نقش نور آفتاب در آفت‌کشی سالم، طبیعی و سازنده است.

زیرساخت تحقق عدالت: شفافیت رانتها را از بین می‌برد؛ چرا که پژوهش‌ها و اقدامات علنی خواهند بود، دسترسی به آنها برای همگان آزاد و رقابتی می‌شود، نتایج و دستاوردهای پژوهش‌ها به صورت علنی ارائه می‌گردد و فرصت‌ها به صورت طبیعی توزیع می‌شود.

افزایش مشارکت: در حال حاضر مهم‌ترین مصادیق مشارکت مردم در امور کشور (اصطلاحاً حضور مردم در صحنه) را انتخابات و راهپیمایی تشکیل می‌دهد. هر چند این موارد مهم هستند، اما ابدأً کافی نیستند. مشارکت بخشی به مردم می‌تواند در عرصه‌های

۱. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۶. «الظلم يزلّ القدم و يسلب النعم و يهلك الأمم.»

۲. ر.ک؛ سیره نبوی «منطق عملی»، ج ۳، صص: ۴۷۳-۴۹۰.



مختلفی صورت پذیرد که بسترساز همه‌ی آنها شفافیت است. بطور خاص مشارکت مردم در نظارت بر امور مختلف حکومتی امری حیاتی است.

آسیب‌های شفافیت در حکومت

فهم ناقص

افشاگری به جای شفافیت: دیده می‌شود گاهها «افشاگری» و کشف جرم را شفافیت نامگذاری می‌کنند. شفافیت در مقام پیشگیری از فساد (پیشینی) است و افشاگری در مقام کشف متخلّف (پسینی)، در حالی که ممکن است معنای اشاعه فحشا، پیدا کند که نادرست و مورد نکوهش دین است. مثلاً رسانه‌ها، ماجراهای «فیش‌های نجومی» را به ادبیات شفافیت گره زدند.

۷۹

ارائه‌ی همه اطلاعات: ممکن است برخی اصرار داشته باشند که لازم است همه اطلاعات حکومتی در اختیار همه مردم قرار گیرد. در حالی که این تصور نادرست است. لاقل مواردی که شامل یکی از سه‌گانه زیر می‌شود باید منتشر گردد:

۱. امنیت ملی
۲. اسرار تجاری
۳. حریم خصوصی

اجرای ناقص

ارائه انبوه اطلاعات: دیده می‌شود که شفافیت با «ارائه اطلاعات انبوه» اشتباه گرفته می‌شود. شفافیت به مثابه آب برای تشنیه است که اگر کم باشد فایده ندارد و اگر زیاد باشد خفگی می‌آورد. و یا همانند میزان متعادل اکسیژن در جو زمین که اگر کم شود حیات منقرض می‌شود و اگر افزایش یابد همه چیز خواهد سوت. لذا «انفجار اطلاعات» و وجود دههای شبکه‌ی تلویزیونی و انبوهی از اخبار و اطلاعات در شبکه‌های مجازی شفافیت نیست.

عدم ارائه‌ی داده‌ی خام: بر مبنای شفافیت، لازم است داده‌ها در پردازش نشده‌ترین حالت خود (داده‌ی خام) ارائه شوند. مثلاً به جای اعلام نرخ تورم سالیانه، مرکز آمار بايستی اطلاعات مربوط به سبد قیمتی کالاهای خود را منتشر کند.

اکتفا به گردآوری: اطلاعات حتی اگر به خوبی گردآوری شود، اما حق مردم از آن منتشر نشود، شفافیت محقق نشده است.
شفافیت اضافه: ارائه اطلاعات فراتر از آنچه لازم است، سبب سردرگمی مخاطب شده و استفاده از آنرا مختل می‌کند.

دروغ‌گویی با شفافیت: با شفافیت می‌توان دروغ گفت، اما با شفافیت ناقص. در واقع «کم‌گویی و گزینه‌گویی» یا انتخاب مواردی که صرفاً مؤید یا موافق گفتار و رفتار مسئول مربوطه باشد، می‌تواند زمینه فریبکاری با شفافیت را فراهم کند. این مسئله بطور ویژه در مواردی که مبتنی بر خوداظهاری هستند، جدی‌تر خواهد بود. با این حال هر چه مصاديق اطلاعات (شفافیت طولی) و دقت اطلاعات (شفافیت عرضی) بیشتر شود، امکان فریبکاری کمتر می‌شود، چرا که اطلاعات متقطع، صحت یکدیگر را ارزیابی می‌کنند، لذا هر چند ممکن است دروغ‌گویی مبتنی بر شفافیت در کوتاه مدت ممکن باشد، اما در درازمدت یقیناً گره از مشت مخالف باز خواهد کرد.

۸۰

اصل عدم احتجاج در بیان مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب با یادآوری سیره نبوی(ص) و علوی(ع) در روابط با مردم تاکید دارند که مسولان جز در موارد نظامی و امنیتی رازی را از مردم پنهان نکنند:
«معنای شفافیت: شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند.»^۱

منطق علوی(ع): در منطق حکومت علوی(ع) اگر کسی به خاطر مسئولیتش دارای امتیاز و احترامی شد، این موضوع نباید اخلاق و رفتار او را با مردم تغییر بدهد و او را از مردم دور کند.^۲

شکر نعمت مسئولیت: مسئولان نظام اسلامی بدانند شکر نعمت مسئولیت‌شان در این است که به بندگان خدا نزدیکی بیشتری پیدا کنند، با آنان نشست و برخاست کنند و نسبت به آنها مهربانی و توجه بیشتری به خرج دهند.^۱

۱. بیانات مقام معظم رهبری .۱۳۸۸/۰۹/۲۶

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران .۱۳۸۸/۰۶/۲۰



شفافیت در سیره مucchoman: این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها... می‌گویند ... که «بله، این شفافیت را هم آنها به ما یاد دادند»؛ نخیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید حق شما بر من است که هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، آن لآن احتجاجِ دونکم سرآ.^۲

استثنایات شفافیت: مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند.^۳

نتیجه

از آنجا که دستور مستقیم بر رعایت شفافیت در مدیریت اسلامی از سوی ائمه هدی: به حاکمان صادر شده است، نشان می‌دهد که عدم احتجاب قطعاً یک اصل و یک سیره محسوب می‌گردد و بطور کلی می‌توان گفت اصل بر شفافیت است، مگر آنکه بر حسب اقتضائاتی، برخی موارد از آن مستثنی شود. استثنای کردن باید به صورت جزئی و محدود به همان موارد باشد. قاعده مستثنی نیز باید به دقت در قانون مشخص شده و در صورت محقق شدن، گزارش آماری پیرامون آنها ارائه شود.

همانطور که گذشت، حضرت علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر از قاعده اصحاب سخن می‌گویند یعنی تمام سیستم اداری باید همانند صحرا شفاف باشد و تنها چیزی که کارمندان و کارگزاران نباید از آن اطلاع داشته باشند، اسرار نظامی است.

تمام ضوابط اداری و قوانین باید برای کارمندان مشخص باشد و مردم باید بدانند بر چه اساسی به مدیران و کارگزاران پاداش داده می‌شود و یا چرا مجازات می‌شوند و حتی در حکومت اسلامی مردم باید میزان و مبلغ پاداش و ضوابط آن را بدانند.

انجام معاملات و قراردادهای صوری و پیوندهای پشت دیوارهای بتنی باید برداشته شود و سیستم اداری باید شیشه‌ای باشد. البته ممکن است بعضی از اسرار سازمانی جزو

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران - ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ -
۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران - ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ -
۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران - ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ -

مسائلی باشد که همه نباید از آن آگاهی داشته باشند ولی هرگونه خرج و دخل، پاداش و مجازات و همچنین شرایط عزل و نصب باید بر اساس ضوابط اعلام شده باشد و لذا نمی‌توان کارگزاری را بر اساس سلیقه عزل و نصب کرد و اگر کسی را به عنوان مدیر نصب می‌کنیم، همه باید بدانند این عزل یا نصب بر اساس چه ضوابطی بوده است. بر این اساس اگر یک سازمان و یا وزارت‌خانه‌ای به عنوان پاداش مبالغی را به افراد می‌دهد، لازم است از قبل شرایط مورد نظر را اعلام کند، به گونه‌ای که همه بتوانند از آن اطلاع داشته باشد که بر اساس کدام عملکرد به کارگزاران پاداش تعلق می‌گیرد.

و در مجموع می‌توان گفت:

۱. اصل عدم احتجاب در سیره اهل بیت: و آموزه‌های دینی وجود داشته و مورد تاکید بوده است.
۲. اصل عدم احتجاب در مدیریت اسلامی لازم الاجرا است مگر اینکه حکومت دینی به سلطنت مبدل گردد.
۳. اصل عدم احتجاب آنقدر اهمیت دارد که عدم اجرای آن، عقاب اخروی را به همراه دارد.
۴. اصل عدم احتجاب در دو مرحله حکومتی (سیاسی) و اقتصادی تعریف می‌شود.
۵. اصل عدم احتجاب باید در مراحل تفہیم و اجرا به صورت کامل اجرا گردد تا شفافیت معنا پیدا کند.
۶. اصل عدم احتجاب در همه عرصه‌ها غیر از موارد خاص نظامی یا امنیتی کاربرد دارد.
۷. اصل عدم احتجاب بهترین ابزار کنترل فساد و نبود آن ریشه اصلی فساد است.
۸. اصل عدم احتجاب مهمترین مصداق مشارکت مردمی در اداره امور کشور است.
۹. اصل عدم احتجاب با افشاگری و اشاعه فحشا متفاوت است و نباید خلط گردد.
۱۰. اصل عدم احتجاب همواره مورد تاکید امامین انقلاب بوده و باید تلاش گردد در عرصه‌های مختلف حکومتی به مرحله اجرا برسد.